



دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی

«فقه ۳»

رشته تفسیر و علوم قرآن

کتاب الأَطعمة و الأَشربة

درس ۱۷

استاد: حجت الاسلام والمسلمین ترابی

آموزشیار: آقای مصطفی عسگری

## مقدمه

در درس گذشته، حکم پرندگان، و ویژگی ها و اوصافی که طبق آن نوع حلال گوشت از حرام گوشت تشخیص داده می شود مطرح شد. ریشه و مستند این مباحث، روایات اهل بیت (علیه السلام) می باشد که در بحث امروز به این مستندات خواهیم پرداخت.

## متن درس

و المستند في ذلك:

- ١- اما ان كل طائر هو محكوم بالحلية الا اذا انطبق عليه احد العناوين المذكورة فلأن ذلك مقتضى اصل الحل.
- ٢- و اما حرمة السبع من الطائر فهي مما لا يعرف فيها خلاف . و تدل عليها صحيحة داود بن فرقد و موثقة سماعة المتقدمتان في الرقم ٤ من حيوان البر - و غيرهما.
- ٣- و اما حرمة ما يصف فلم يعرف فيها خلاف. و تدل عليها صحيحة زرارة: «سأل ابا جعفر (عليه السلام) عما يئى كل من الطير فقال: كل ما دفّ و لا تأكل ما صفّ»<sup>١</sup>، و موثقة سماعة عن ابي عبدالله (عليه السلام): «كل ما صفّ و هو ذو مخلب فهو حرام...»<sup>٢</sup> و غيرهما. و المراد كل ما دفّ اكثر و لا تأكل ما صفّ اكثر - كما فهم الفقهاء - و ليس المراد ما كان كذلك دائما، اذ كل ما يصف يدفّ أيضا و العكس بالعكس كما هو واضح.
- ٤- و اما حرمة الطائر الفاقد للقانصة و الحوصلة و الصيصة فلم يعرف فيها خلاف. و تدل عليها صحيحة عبدالله بن سنان عن ابي عبدالله (عليه السلام): «قلت: الطير ما يؤكل منه؟ فقال: لا تأكل ما لم تكن له قانصة»<sup>٣</sup>، و موثقة سماعة عن ابي عبدالله (عليه السلام): «كل من طير البر ما كانت له حوصلة و من طير الماء ما كانت له قانصة.... و القانصة و الحوصلة يمتحن بهما الطير ما لا يعرف طيرانه و كل طير مجهول»<sup>٤</sup>، و رواية ابن بكير عن ابي عبدالله (عليه السلام): «كل من الطير ما كانت له قانصة أو صيصيق أو حوصلة»<sup>٥</sup>. و قد ورد في سند الاخيرة سهل. و الامر فيه ان كان سهلا فلا مشكلة و الا فحجيتها - من حيث علامية الصيصة التي لم ترد الا فيها - تبتنى على القول بكبرى الانجبار.
- ٥- و اما ان العلامة الثالثة هي في طول فقدان العلامة الثانية فيمكن استفادته من موثقة سماعة المتقدمة. هذا و يمكن ان يقال: ان العلامتين المذكورتين متلازمتان في الوجود الخارجى عادة بل ان العلامة الثانية ملازمة للأولى أيضا، فان اكثرية الصيف هي من لوازم الطيور الجوارح ذات المخلب باعتبار قوتها بخلاف الدفيق فانه من لوازم الطير الضعيف الذى لا يكون من الجوارح.

١. وسائل الشريعة، ج ١٦، ص ٤٢٠، الباب ١٩ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ١.

٢. وسائل الشريعة، ج ١٦، ص ٤٢١، الباب ١٩ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ٢.

٣. وسائل الشريعة، ج ١٦، ص ٤١٨، الباب ١٨ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ١.

٤. وسائل الشريعة، ج ١٦، ص ٤١٩، الباب ١٨ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ٣.

٥. وسائل الشريعة، ج ١٦، ص ٤١٩، الباب ١٨ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ٥.

## چگونگی تمیز پرندگان حلال گوشت از حرام گوشت

در درس گذشته گفتیم اگر پرنده‌ای دارای یکی از علائم و خصوصیات مطرح شده باشد حرام گوشت و در غیر آن صورت حلال گوشت است؛

**ویژگی اول؛** درنده بودن و داشتن چنگال؛

**ویژگی دوم؛** صاف نگه داشتن بال در حین پرواز؛

**ویژگی سوم؛** نداشتن چینه دان و سنگدان است.

### مستندات مطالب مذکور

در این جا باید در دو بخش به استناد بپردازیم:

**بخش اول:** دلیل حلیت پرندگانی که فاقد علامات ذکر شده هستند؛ بخش دوم: دلیل حرمت پرندگانی که دارای یکی از علامات مذکور می‌باشند.

**بخش اول:** دلیل و مستند حلیت سایر پرندگان: «اصالة الحل»<sup>۱</sup>: مستند حلیت سایر پرندگان می‌باشد. چون دلیلی بر حرمت این پرندگان وارد نشده و طبق اصالة الحل<sup>۱</sup>، حکم به حلیت آنها می‌شود.

**بخش دوم:** دلیل حرمت پرندگانی که یکی از علائم مذکور را دارا باشند.

(الف) حرمت پرندگان درنده (دارای چنگال): در حرمت پرندگان چنگال‌دار، خلافتی یافت نشده،

و روایات نیز بر آن دلالت دارد از جمله صحیحہ داود ابن فرقد، که امام (علیه السلام) در آن فرمود: «هر پرنده چنگال داری حرام است»<sup>۲</sup>.

روایت دیگر، موثقه سماعه بود که امام صادق (علیه السلام) فرمودند هر پرنده چنگال‌داری حرام است.

با توجه به این روایات، پرندگان چنگال دار از جرگه پرندگان حلال گوشت خارج می‌شوند.

(ب) حرمت پرندگانی که بالهایشان را بیشتر صاف نگه می‌دارند.

مورد دیگری که از عموم پرندگان حلال گوشت خارج می‌شود پرنده‌ای است که صاف نگهداشتن بالش نسبت به بال زدش در پرواز کمتر باشد. در این مسئله خلافتی یافت نشده، و روایات نیز بر آن دلالت می‌کند:

یکی از این روایات، صحیحہ زراره می‌باشد که از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده است. زراره در این صحیحہ از امام (علیه السلام) درباره پرندگان حلال گوشت سؤال می‌کند. امام (علیه السلام) در پاسخ می‌فرماید هر پرنده‌ای که بال می‌زند حلال گوشت و هر پرنده‌ای که بال خود را صاف نگه می‌دارد حرام است.

روایت دیگر موثقه سماعه است که در آن امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید هر پرنده‌ای که بالش را صاف نگه می‌دارد و چنگال دارد حرام است.

<sup>۱</sup> . اصالة الحل: یکی از قواعد فقهی است که در باب اطعمه و اشربه جاری است. ر.ک: درس اول از کتاب اطعمه و اشربه.

<sup>۲</sup> . ر.ک: درس ۴ از دروس اطعمه و اشربه.

نکته قابل ذکر این که : منظور امام از این که «هر پرنده‌ای بال می زند حلال و هر پرنده ای بال خود را صاف نگه می‌دارد حرام است» این است که پرنده هنگام پرواز کردن بیشتر بال می زند یا بیشتر صاف نگه می‌دارد، و الا مراد این نیست که دائماً بال بزند یا دائماً صاف نگه دارد.

## تطبیق

و المستند فی ذلک:

مستند احکام فوق عبارت است از:

۱- اما ان کل طائر هو محکوم بالحلیة الا اذا انطبق علیه احد العناوین المذكورة فلأن ذلک مقتضى اصل الحل. اینکه هر پرنده‌ای محکوم به حلیت است مگر اینکه یکی از سه عنوان مذکور بر او منطبق باشد مقتضای اصله الحل است.

۲- و اما حرمة السبع من الطائر فهمی مما لا يعرف فیها خلاف . و تدل علیها صحیحة داود بن فرقد و موثقة سماعة المتقدمتان فی الرقم ۴ من حیوان البر<sup>۱</sup> - و غیرهما.

در حکم به حرمت پرندگان درنده مخالفی یافت نشد ، و صحیحه داود بن فرقد و موثقه سماعه - که در بحث حیوان خشکی رقم ۴ گذشت - و غیر آن به این حرمت دلالت می‌کند.

۳- و اما حرمة ما یصف فلم يعرف فیها خلاف. و تدل علیها صحیحة زرارة: «سأل ابا جعفر (علیه السلام) عما یؤکل من الطیر فقال: کل ما دفّ و لا تأکل ما صَفَّ»<sup>۲</sup>،

در حرمت پرندگانی که بالشان را صاف نگاه می‌دارند مخالفی شناخته نشد، و صحیحه زراره بر آن دلالت می‌کند که از امام باقر درباره پرندگان حلال گوشت پرسید، امام (علیه السلام) فرمود: «پرنده‌ای که بال می زند بخور و پرنده‌ای که بال را صاف نگاه می‌دارد نخور».

و موثقة سماعة عن ابی عبدالله (علیه السلام): «کلُّ ما صَفَّ و هو ذو مِخْلَبٍ فهو حرام...»<sup>۳</sup> و غیرهما.

و طبق موثقه سماعه، امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر پرنده‌ای که بال را صاف نگاه می‌دارد و چنگال دارد حرام گوشت است». غیر این دو روایت (نیز بر مقصود دلالت دارد).

و المراد کل ما دفّ اکثر و لا تأکل ما صَفَّ اکثر - کما فهم الفقهاء - و لیس المراد ما کان کذلک دائماً، اذا کل ما یصف یدفّ أيضاً و العکس بالعکس کما هو واضح.

۱. صحیحه داود بن فرقد عن ابی عبدالله (علیه السلام): «کل ذی ناب من السباع و مِخْلَبٍ من الطیر حرام».

موثقه سماعة: «سأل ابا عبدالله (علیه السلام) عن المأكول من الطیر و الوحش فقال: حرّم رسول الله (صلی الله علیه و آله) کل ذی مِخْلَبٍ من الطیر و کل ذی ناب من الوحش.

الی ان قال: و کل ما صَفَّ و هو ذو مِخْلَبٍ فهو حرام.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۴۲۰، الباب ۱۹ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحدیث ۱.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۴۲۱، الباب ۱۹ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحدیث ۲.

مقصود از این دو روایت این است که پرنده‌ای که بال زدنش بیشتر از صاف نگاه داشتن بالش باشد بخور، و پرنده‌ای که بیشتر بالش را صاف نگه می‌دارد نخور، همان طور که فقها هم هم ین گونه فهمیده‌اند و مقصود این نیست که دائماً بالش را صاف نگاه دارد یا دائماً بال بزند. زیرا هر پرنده‌ای که بالش را صاف نگه می‌دارد بال هم می‌زند و بر عکس هر پرنده‌ای که بال می‌زند گاهی بال‌ها را صاف نگاه می‌دارد.

- |   |   |                                      |
|---|---|--------------------------------------|
| <p>۱. پرنده‌گانی که چنگال داشته باشند ← دلیل</p> <p>۲. پرنده‌گانی که صاف نگهداشتن بال آنها بیشتر از بال زدن آنها در پرواز باشد.</p> <p>۳. پرنده‌گانی که چینه‌دان و سنگدان نداشته باشند.</p> | } | <p>۱. حرام گوشت</p> <p>پرنده‌گان</p> |
|---|---|--------------------------------------|
۲. حلال گوشت ← بقیه پرنده‌گان ← دلیل ← أصالة الحل (که مستند آن آیه «لا جاد فی ما اوحی الی...» می‌باشد).

Sco۲: ۱۴: ۲۴

### ج) حرمت پرنده‌گانی که سنگدان یا چینه‌دان یا خار پشت پا ندارند

در حکم به حرمت پرنده‌گانی که سنگدان یا چینه‌دان یا خارپشت پا ندارند. مخالفی یافت نشده است. روایاتی هم وجود دارد که بر آن دلالت می‌کند.

یکی از این روایات، روایت عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) است که در آن حضرت می‌فرماید: «پرنده فاقد سنگدان را نخورید». همچنین موثقه سماعه که از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل می‌کند: از پرنده‌گان خشکی آن را که چینه‌دان دارد بخور .... طبق این روایت می‌توان از وجود سنگدان و چینه‌دان حرمت و حلیت پرنده را تشخیص داد. به عنوان مثال پرنده‌ای شکار شده و نحوه پریدن آن مجهول است، از این طریق می‌توان به حلیت یا حرمت آن پی برد. در این باب روایت دیگری از عبدالله بن بکیر وجود دارد که خار پشت پا را هم اضافه می‌کند. اما در سند این روایت سهل بن زیاد وجود دارد که در مورد وی نظرات متفاوتی موجود می‌باشد.<sup>۱</sup>

اگر روایت سهل بن زیاد را بپذیریم، علامت سوم که وجود خار در پشت پای پرنده است ثابت خواهد بود. در غیر این صورت، حجیت روایت از حیث اثبات این علامت زیر سؤال می‌رود؛ زیرا این علامت فقط در همین روایت ذکر شده است. مگر این که قائل به انجبار ضعف سند به واسطه عمل مشهور به روایت باشیم.

اما این که علامت سوم در طول فقدان علامت دوم است، یعنی اگر علامت دوم نبود، نوبت به علامت سوم می‌رسد، و الا اگر علامت دوم بود (یعنی پرنده بالهایش را صاف نگاه داشت) حکم به حرمت پرنده شده و نوبت به بررسی وجود سنگدان و .... نمی‌رسد؛

<sup>۱</sup> . بعضی از علما از جمله مرحوم امام (ره) عقیده دارند که «الامر فی سهل سهل» و روایات سهل بن زیاد را می‌پذیرند. بعضی از علما نیز مثل آیت الله خویی عقیده دارند «الامر فی سهل سهل» و روایات وی را رد می‌کنند.

برای این مطلب می توان به موثقه سماعه که ذکر شد استناد کرد : «سنگدان و چینه دان (یعنی علامت سوم) برای بررسی پرنده ای است که نحوه پرواز او معلوم نیست یا پرنده ای که ناشناس است (علامت دوم)».

نکته ۱: علامت دوم و سوم عادتاً با هم متلازم هستند یعنی پرنده ای که باله ایش را صاف نگاه می دارد (علامت دوم) معمولاً فاقد سنگدان و چینه دان و ... می باشد (علامت سوم).

نکته ۲: علامت دوم با علامت اول نیز تلازم عادی دارد، یعنی پرندگانی که شکاری بوده و چنگال برای دریدن دارند (علامت اول)، به اعتبار قدرت و قوت بیشترشان، بالهایشان را صاف نگاه می دارند (علامت دوم). بر خلاف بال زدن، که لازمه پرندگان غیر شکاری و ضعیف است.

## تطبیق

۴- و اما حرمة الطائر الفاقدة للقانصة و الحوصلة و الصیصة فلم يعرف فیها خلاف.

۴- در برابر حکم به حرمت گوشت پرنده فاقد سنگدان و چینه دان و خار پشت پا، مخالفی شناخته نشده است. و تدل علیها صحیحة عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله (علیه السلام): «قلت: الطیر ما یؤکل منه؟ فقال: لا تأکل ما لم تکن له قانصة»<sup>۱</sup>.

و صحیححه عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) بر آن دلالت می کند. از امام پرسیدم: کدام پرنده خورده می شود؟ امام فرمود: پرنده ای که سنگدان ندارد نخور.

و موثقة سماعة عن ابی عبدالله (علیه السلام): «کل من طیر البر ما کانت له حوصلة و من طیر الماء ما کانت له قانصة... و القانصة و الحوصلة یمتحن بهما الطیر ما لا يعرف طیرانه و کل طیر مجهول»<sup>۲</sup>.

همچنین موثقه سماعه از امام صادق (علیه السلام) که فرمود: از پرندگان خشکی آن را که چینه دان دارد بخور و از پرندگان دریایی آن را که سنگدان دارد ... سنگدان و چینه دان آزمایش حیوانی است که نحوه پرواز او مجهول باشد و همین طور هر پرنده ای که ناشناخته باشد.

و روایة ابن بکیر عن ابی عبدالله (علیه السلام): «کل من الطیر ما کانت له قانصة أو صیصة أو حوصلة»<sup>۳</sup>.

روایت ابن بکیر از امام صادق (علیه السلام) که فرمود: بخور از پرنده ای که سنگدان یا چینه دان یا خار پشت پا داشته باشد.

و قد ورد فی سند الاخیرة سهل. و الامر فیه ان کان سهلا فلا مشکلة و الا فحجیتها - من حیث علامية الصیصة التی لم ترد الا فیها - تبتنی علی القول بکبری الانجبار.

<sup>۱</sup>. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۴۱۸، الباب ۱۸ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحدیث ۱.

<sup>۲</sup>. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۴۱۹، الباب ۱۸ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحدیث ۳.

<sup>۳</sup>. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۴۱۹، الباب ۱۸ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحدیث ۵.

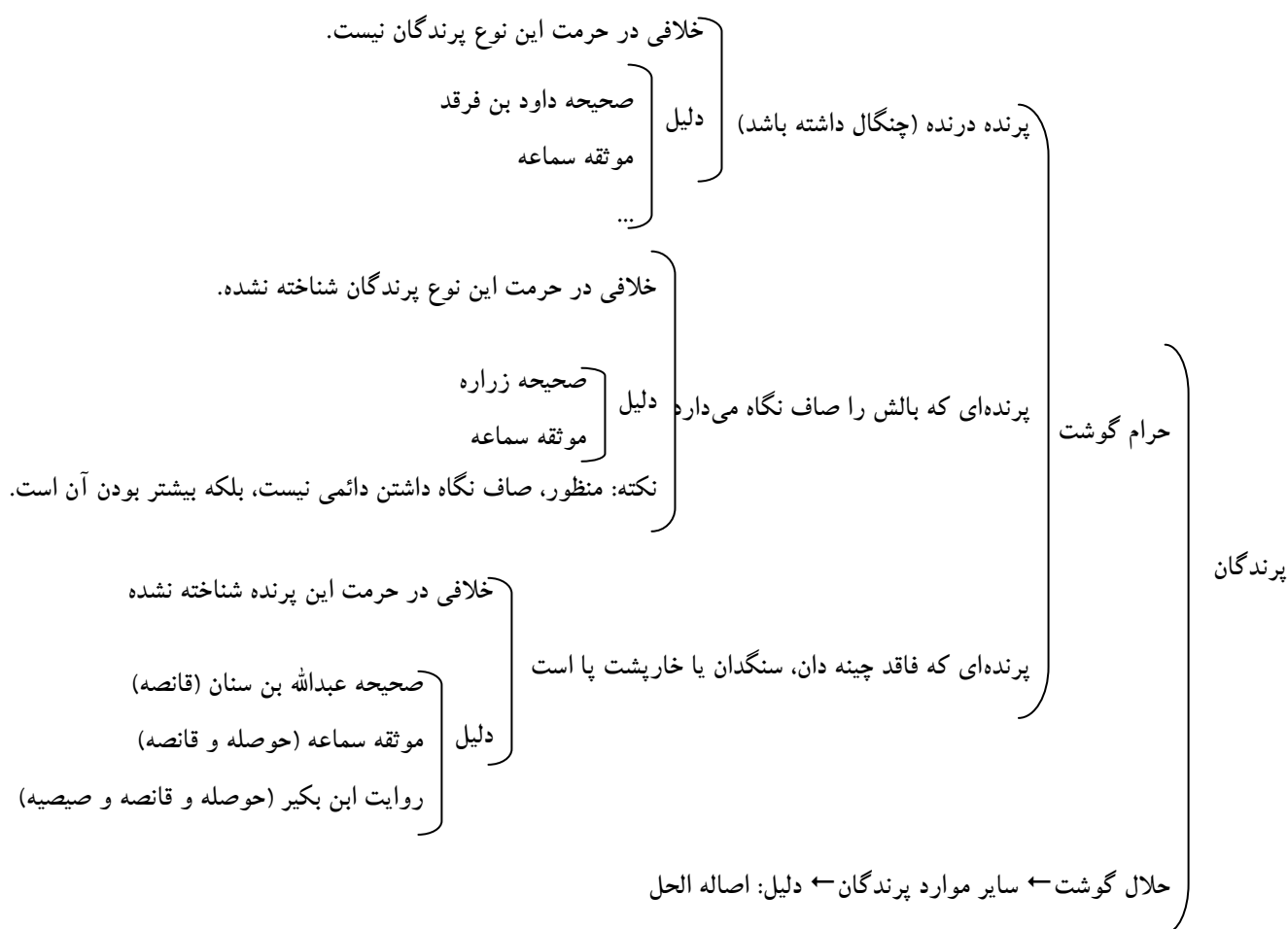
در سند روایت اخیر سهل بن زیاد واقع شده . اگر امر او را سهل دانسته و وثاقت او را بپذیریم نسبت به علامیت خار پشت پا در پرندگان دلیل خواهیم داشت و الأحجیت این روایت برای این علامت مبنی است بر پذیرفتن کبرای انجبار ضعف سند به عمل اصحاب.

۵- و اما ان العلامة الثالثة هي في طول فقدان العلامة الثانية فيمكن استفادته من موثقة سماعة المتقدمة.

۵- اما اینکه علامت سوم در طول فقدان علامت دوم است می توان از موثقه سماعه استفاده کرد.

هذا و يمكن ان يقال: ان العلامتين المذكورتين متلازمتان في الوجود الخارجي عادة بل ان العلامة الثانية ملازمة للأولى أيضا، فان اكثرية الصنف هي من لوازم الطيور الجوارح ذات المخلب باعتبار قوتها بخلاف الدفیف فانه من لوازم الطير الضعیف الذی لا يكون من الجوارح.

و ممکن است گفته شود این دو علامت با هم در وجود خارج متلازم هستند بلکه علامت دومی ملازم با علامت اولی نیز است زیرا بیشتر صاف نگاه داشتن بالها در هنگام پرواز از (علامت دوم) لازمه پرندگان شکاری چنگال دار است (علامت اول) به سبب این که قوی و نیرومند هستند به خلاف بال زدن بیشتر در هنگام پرواز که لازمه پرندگان ضعیف غیر شکاری است.



Sco2:29:17



## چکیده

۱. پرندگان که علائم حرمت را نداشته باشند، به مقتضای اصل حل، محکوم به حلیت هستند.
۲. حرمت پرنده درنده بدون خلاف است و صحیحه داود بن فرقد و موثقه سماعه هم بر آن دلالت دارد.
۳. حرمت پرنده‌ای که صاف پرواز نمودنش بیشتر از بال زدنش باشد بدون خلاف است و صحیحه زراره و موثقه سماعه هم بر آن دلالت دارد.
۴. مقصود از «صاف نگهداشتن بال» در دو روایت این نیست که دائماً بال خود را صاف نگهدارد بلکه آن چیزی است که فقها از آن فهمیده‌اند و آن بیشتر صاف نگهداشتن بال در پرواز و کمتر بال زدن است.
۵. پرنده‌ای که چینه و سنگدان و خار پشت پا نداشته باشد. بدون هیچ مخالفی حرام است، و صحیحه عبدالله بن سنان و موثقه سماعه و روایت عبدالله بن بکیر بر آن دلالت دارد.
۷. در سند روایت عبدالله بن بکیر، سهل بن زیاد موجود می‌باشد که اگر مورد قبول باشد نسبت به علامت بودن خار پشت پا حجت است، ولی اگر پذیرفته نشود حجت بودن روایت بر این علامت مبتنی بر پذیرفتن کبرای «جبران ضعف سند به عمل اصحاب» است.
۸. علامت سوم نبودن چینه دان و ... در طول علامت دوم یعنی صاف نگه داشتن بالها می‌باشد و با فقدان علامت دوم به علامت سوم مراجعه می‌شود. از موثقه سماعه می‌توان این مطلب را استفاده کرد.
۹. علامت دوم و سوم با هم متلازمند یعنی صاف نگاه داشتن بالها متلازم است با فقدان سنگدان و چینه‌دان و ...
۱۰. علامت دوم که صاف نگهداشتن بیشتر بال در حال پرواز است ملازم با چنگال دار بودن و درنده بودن پهنه می‌باشد، زیرا حیوانی که نیرومند است می‌تواند بال خود را در پرواز بیشتر صاف نگه دارد و پرندگانی که ضعیف هستند در پرواز بیشتر بال می‌زنند.